

باز دلتنگیت پر شده در تمام قلبم

باز به خلوت خیال من پا گذاشته ای

مثل هر شب و هر لحظه

باز آمده ای

حالا که در این نیمه شب دلم تو را می خواهد

پس می نویسم برایت تا بدانی

چه بی اندازه می خواهمت

می خواهمت با همان لبخند شیرین و خاص

با همان نگاه مهربان و دستان گرم و عاشقت

می خواهمت که چشم در چشم هایت بدوزم و دیوانه شوم

که در دریای نگاهت غرق شوم

می خواهمت که زیر سایبان دست هایت آرام بگیرم

می خواهمت که با نگاه خاص و مهربانت

نگاهی عاشقانه به سرتاسر رویاهایم بیاشی

در نگاهت چنان جادویی پنهان شده

که این دل تنگ و بی قرار

هر بار که تو را می بیند و به چشمانت خیره می شود

گویی طلسم می شود و برای لحظاتی هم که شده

قدری آرام می گیرد زیرا که به دیدار تو بسته ضربانم

حالا که دل‌تنگ دیدنت، صدایت و دست های تو ام

چشم هایم را می بندم،

بلکه تو بیایی

